

سه‌شنبه • ۲۶ شهریور ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۸۳۴ • ۷

شرق روزنامه

جهان • گزارش

«**تحریر**»؛ **میدانی برای تمام فصول**

۹۹صدی‌ها در خیابان

روزی ۶میلیون لیتر دود مازوت در ریه اراکی‌ها

دریچه

«**تیان آن من**»

دفاع تمام‌قد کمونیست‌ها از سرمایه‌داری

مریم امیری

انقلاب چین در سال ۱۹۴۹ برای اولین‌بار از طریق کاملاً‌علی‌حدمای پیروز شد؛ محاصره شهر از طریق پیرامون و مبارزه مسلحانه از روستا به منظور فتح شهرها. انقلاب چین به همین دلیل و نیز به دلیل حمایت توده‌های چین که در آن زمان عمدتاً دهقان بودند، به انقلابی روستایی مشهور شده است. اما ۴۰سال بعد بزرگ‌ترین چالش دولت کمونیست تا آن زمان در شهر و در یک میدان اتفاق افتاد: میدان تیان آن من شهر پکن. کشتار دانشجویان و سایر توده‌های معترض در آن زمان بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های غرب داشت. خبرها از سرکوب وحشیانه دیگر «کمونیست‌ها یا ولع منتشر می‌شد. دنگ زیائوپینگ، رئیس‌جمهور چین را «قصاب پکن» نامیدند که هرچند برانداخته شد ولی همه چیز را توضیح نمی‌داد. رسانه‌های بین‌المللی وقایع میدان را برخورد میان دانشجویان مدرن و آرمانگرا که خواستار آزادی‌های دموکراتیک هستند و خودکامان کمونیست تصویر کردند. در غیاب رسانه‌های آزاد درون چین، این روایت سال‌ها روایت غالب از وقایع تیان آن من بود. هرچند نمی‌توان ادعا کرد که اکنون واقعیت ماجرا را همه می‌دانند، اما طولی نکشید که روایت رسانه‌های غربی را روایت متفاوتی به چالش کشیدند. روایت متفاوت را «وَنگ هوئی» یکی از سازمان‌دهندگان اعتراضات سال ۱۹۸۹، در کتاب «نظم نوین چین» –انتشار در سال ۲۰۰۳– آرایه کرد. او توضیح می‌دهد تظاهرکنندگان تنها دانشجویان ندخبه نبودند، بلکه طیف وسیعی از کارگران، معلمان و سایر قشرهای اجتماعی را در برمی‌گرفت. به یاد می‌آورد آنچه آتش اعتراضات را برافروخت ناراضی عمومی از تغییرات اقتصادی به اصطلاح انقلابی دنگ زیائوپینگ مانند کاهش دستمزدها افزایش قیمت‌ها، بیکاری و «بحران اخراج کارگران» بود. به گفته وَنگ، این تغییرات عامل شتاب‌دهنده بسیج اجتماعی سال ۱۹۸۹ بود. وَنگ ادامه می‌دهد این‌این اعتراضات فی‌نفسه اعتراض علیه اصلاحات اقتصادی نبود؛ بلکه ماهیت «فریدمینی» و «شوکرمانی» را یعنی بی‌رحمی و سرعت اصلاحات و روند به‌شدت غیردموکراتیک آن بود. وَنگ می‌گوید در خواست برگزاری انتخابات و آزادی بیان دقیقاً به همین اختلاف نظر اقتصادی مربوط می‌شد. آنچه سبب شد معترضان خواستار دموکراسی شوند این بود که حزب بدون هیچ اجماع مردمی، دست به تغییراتی زده بود که منجر به تغییراتی گسترده و بنیادی شده بود. اعلام حکومت نظامی در ۲۰ می ۱۹۸۹ پیام روشن دخالت نمی‌کند، بر سرکوب تظاهرات و پیشبرد «اصلاحات» اقتصادی بود. دو هفته بعد در روز سوم ژوئن، تانک‌های ارتش خلق به سوی معترضان میدان تیان آن من هجوم آوردند و آنها را به گِبار بستند. در شهرهای دیگر چین نیز سرکوب مشابهی اتفاق افتاد. از تعداد کشته‌ها و زخمی‌های آن روز هنوز اطلاع دقیقی به دست نیامده است. حزب کمونیست صدها کشته را پذیرفته ولی شاهدان عینی از دو تا هفت‌هزار کشته خبر می‌زنند. سرکوب اعتراضات به همین جا ختم نشد، ۴۰هزارنفر در بگیربوندهای متعاقب بازداشت شدند. صدها نفر اعدام شدند. بیش از هر جای دیگر سرکوب در کارخانه‌ها و درمان کارگران شدید بود. مورس مایستر می‌نویسد: «بیشتر بازداشت‌شدگان و تقریباً همه اعدامی‌ها، کارگران بودند»

به قدرت رسیدن دنگ زیائوپینگ در چین از جهاتی مسیر این کشور را به‌کلی عوض کرد. او خیال دگرگونی عمیق ظاهر و باطن چین را در سر می‌پروراند و برای محقق کردن آن توجهش به توماس فریدمن و تجربه شوکرمانی جلب شد. در سال ۱۹۸۰ دولت او از میلیون فریدمن دعوت کرد به چین سفر کند و برای مقامات بلندپایه حزب و استادان و اقتصاددانان کلاس «اقتصاد بازار آزاد» بگذارد. فریدمن از مقامات چینی می‌خواست تا از الگوی هنگ‌کنگ پیروی کنند که به‌زعم او «با وجود عدم برخورداری از دموکراسی از آمریکا آزادتر است، زیرا دولت در اقتصاد دخالت نمی‌کند» طبق این تعریف حزب می‌خواست عرصه اقتصادی را به روی مالکیت خصوصی و مصرف‌گرایی بگشاید و درعین حال همچنان عنان قدرت را در دست خود حفظ کند. مقامات بلندپایه حزب در صف اول فروش دارایی‌های دولتی بودند و روشن است که چرا اکنون همه میلیاردرهای چین به حزب کمونیست منسوب هستند. در سال ۱۹۸۳، دنگ دروازه‌های کشور را به روی سرمایه‌های خارجی گشود و از حمایت دولتی از کارگران کاست. هم‌زمان دستور داد نیروی ۴۰۰هزارنفری «پلیس مسلح مردمی» یعنی جوئه سیار شد شورش تشکیل شود که وظیفه‌اش درهم شکستن همه مظاهر «جنایت اقتصادی» یعنی اعتصاب و اعتراض بود. در اواخر دهه ۸۰ کشور را درون‌دزدید. از جمله بزرگ‌ترین اجماع اعتراضی در میدان تیان آن من در شکل گرفت که فرجام آن در پیش آمد. واقع تیان آن من به نوعی جاده‌صاف‌کن اقدامات شدیدتر حزب کمونیست برای «اصلاحات اقتصادی» شد. پنج روز پس از سرکوب خونین تیان آن من، دنگ در تظنی تکلیف همه چیز را روشن کرد: «کوتاه سخن! اصلاحات آزمایشی بود که سربلند از آن بیرون آمدم. شاید این رویداد تلخ قاردارن کند تا با گام‌هایی استوارتر، مناسب‌تر و حتی سریع‌تر اصلاحات و سیاست‌های باز را پیش ببریم» از نظر دنگ دیگر مانعی برای «بازار آزاد» وجود نداشت. پیش از کشتار تیان آن من، دنگ مجبور بود درمورد برخی اقدامات قدری جانب ملامت را بگیرد. اما سه ماه پس از کشتار، دیگر ملاحظه‌ای در کار نبود. علاوه بر این به توصیه فریدمن مقررات‌زدایی از قیمت‌ها نیز به اجرا درآمد. به زبان تئوری «شوکرمانی» فریدمن، شوک‌ناشی از قتل‌عام ژوئیه ۱۹۸۹، شوک درمانی اقتصادی را امکان‌پذیر کرد. فریدمن حدود یک‌سال پیش از کشتار تیان آن من دوباره به پکن سفر کرد. او با رهبران حزب کمونیست دیدار کرد و توصیه‌اش به آنها دقیقاً همان بود که به پینوشه کرد: در مقابل فشارها تسلیم نشوید و حتی یک آن تزلزل پیدا نکنید و در یک کلام «شوکرمانی بیشتر، نه کمتر، ضروری است»

ادامه در صفحه ۸

گزارش

ترانه استانبول

لبه بهشت میدان «تقسیم»

سیاوش رزمند

با ماسک‌های زدگاز خود در یکی از دوتیر کبابی‌های بی‌شمار میدان تقسیم جمع شده‌اند. آشپز و خدمتکار و مشتری فرقی نمی‌کند، زنگ تفریح کوچکی برای خشم ترکه‌های جوان. اعتراضات ترکیه مهم‌ترین چالش از التهاب سال‌های دهه ۷۰ به این‌سو است. استانبول، آنکارا و اخیراً انتاکیه بیرون ریختن چالش سنت و مدرنیته در چشم جهانیالی است که چشم به ترکیه‌ای دوخته‌اند که در شرق ایستاده است ولی نگاه به غرب دارد. میدان تقسیم در ایمن میان بیش از هرچیز یک نماد است. نشان از هویت ترکه‌های جوانی که رده‌روزی پدرانشان ایستادند.

میدان به خودی خود تقدیس نمی‌شود. خواه تحریر باشد خواه اعتراضات مخصوص به خود هستند. پارک سلطنتی «هاید» نیز از این قاعده مستثنا نیست. وزارت این کشور اجازه برگزاری هرگونه اعتراضی را در ساعات‌های یاد شده داده است. هر چند که در سایت این وزارتخانه آمده است که حضور هلیکوپترها و نیروهای ضدشورش با اجازه وزیر این وزار تخانه مجاز است. این مورد زمانی صادر خواهد شد که اعتراض‌ها از شکل عادی خارج شود و به رویکردهای «وندالیستی» برسد. در غیر این صورت وزیر کشور بریتانیا از محدودیت برخوردار است و نمی‌تواند با معترض‌ها برخورد کند. هایدپارک با وجود دریاچهای به دوینم تقسیم شده است همان‌گونه که ساعات حضور در آن هم به دوینم تقسیم شده است. ساعات حضور مردم عادی و غیر آن. گفتنی است این پارک در ۲۰ژوئیه ۱۹۸۲ توسط ارتش آزادبیشش با دو بمب مورد حمله قرار گرفت که در پی آن یک نفر از مردم عادی و هشت‌نفر از گارد سلطنتی بریتانیا کشته شدند.

ما همراه با تو می‌خندیم و بمب‌ها هر شب بر روی شهر فرو می‌ریزد؟
استانبول انسان را در خود فرو می‌کشد. «اورهان پاموک، از اشرافیت گمشده در شب‌نشینی ژنرال‌ها می‌گوید و «زولفوق لیوانلی» درود ایشار کمال» را برای مردمان ترنم می‌کند. «لوتِه» آلمانی جوان «لبه‌بهشت» هم در سنگتشرش پس‌کوچه‌ها به خاک می‌افنداستانبول پخته‌ندها،استانبول قهوه‌خانه‌ها و استانبول تاریخی که آتاتورک از فرازش هویت ترکی را نظاره می‌کند. قطع درختان «پارک گری» جرقه خشم ترکه‌های جوانی بود که از جهان‌وطنی عثمانی حزب «عدالت و توسعه» به خشم آمده بودند. کودکان کرد در ریخته‌بو د نثار دختر «بلطاقی» مصری کرد. ترکیه عدالت و توسعه سرمست پیشرفت نجومی اقتصاد حاصل از توریسم و ترانزیت منطقه‌ای است. شاگردان «اریکان» منادی نوسازی اقتصاد تکبیرت‌های بودند که میراث سیاست‌بازی‌های احزاب اصلی تر کیه بود. ترکیه وحشت‌زده از ژنرال‌های آهنینی که‌به سبک هم قطارهای یونانی‌شان ایایی از مداخله در سیاست داخلی نداشتند به دامن درگیری‌های حزبی میان مدیران بدون کاریزمایی افتاده بود که تفاوت چندانی نداشتند. فساد اداری هم که جزو لاینفک اقتصادی درآمده از کودتا و سیاست‌های شکست‌خورده بانک جهانی بود.

ادامه در صفحه ۹



عکس: AP

بیایید در «هایدپارک» شورش کنیم

اعتراض آزاد، در ساعاتی محدود

حسین موسوی

نیروهای پلیس اجازه برگزاری اعتراض‌ها را نخواهد داد مگر اینکه اجازه قانونی آن صادر شده باشد. وزارت کشور بریتانیا معمولاً برای اعتراض‌های خارج از ساعت قانونی باید تصمیم بگیرد. در سال ۲۰۱۱ که اعتراض‌ها علیه دولت کامرون فراگیر شد و کشتن یک سیه‌پوست توسط نیروهای پلیس این کشور همچون جرقه‌ای آتش اعتراض‌ها را برافروخت، یکی از مشکلاتی که پلیس این کشور با آن مواجه بود، نبود قانونی بود که اجازه استفاده از باتوم و گاز اشک‌آور را به پلیس نمی‌داد.

هایدپارک تنها پذیرای بومی‌های معترض نیست.
هرازگاهی معترضان دیگری نیز به این پارک رجوع می‌کنند و خواسته‌های خود را بیان می‌کنند. در بحبوحه درگیری‌های مردم بحرین با رژیم آل خلیفه در لندن، بحرینی‌های شیعه در این پارک گرد هم آمدند و خواستار برخورد با این حکومت شدند

هرچند که بنا بر گفته رییس پلیس لندن با دلیلی تلگراف، از نظرات فرماندهان افبی‌ای ایالاتمتحده استفاده کرده و حتی به‌طور موقت جواز شلیک گلوله پلاستیکی را دریافت کرده بودند اما این قوانین برای هایدپارک صادق نبود. افزون بر این، در سیات حکومتی بریتانیا آمده است که حضور معترضان در ساعاتی که درهای این پارک برای عموم مردم باز نشده ممنوع است. این در حالی است که باید اذعان کرد هایدپارک تنها پذیرای بومی‌های معترض نیست.

قدرت مردم، بالاتر از مردان در قدرت

تاکنون توضیحات مختلفی درباره عوامل پدیدآورنده جنبش اشغال و سرایت آن به کشورهای مختلف برشمرده شده است اما آنچه بیش از همه، ناظران بر آن اتفاق‌نظر دارند در خواست «برابری و عدالت» است. به گفته رسانه‌های پوشش‌دهنده جنبش، اعتراض اصلی شرکت‌کنندگان در اینن اعتراضات «بی‌عدالتی‌های اقتصادی و نابرابری درآمد» بوده است. درواقع جنبش می‌خواهد تولید در خدمت رفح نیازهای انسان آزاد را جایگزین تولید برای کسب سود بیشتر کند.

اما بسیاری را یا از این نیز فراتر نهاده و هدف غایی جنبش اشغال (به‌ویژه اشغال وال‌استریت) را سرمایه‌داری جهانی و چگونگی عملکرد آن می‌دانند. «حمله‌ای بر ایده روشنگری»، ایده‌ای که «عقلانیت» را به‌عنوان منبع حقیقت در شالوده قرار می‌دهد. اما جنبش اشغال «مردم» را «سرمنشا حقیقت» می‌داند. با این حال کاستی‌های جنبش اشغال را هم نمی‌توان نادیده گرفت. کاستی‌هایی که بسیاری از مطالبات این گروه را در حد خواسته باقی گذاشت. یکی از انتقادها به جنبش اشغال، تنوع اهداف این جنبش بود؛ این جنبش در مکان‌های مختلف، منافع و اهداف متفاوت داشت. اما از دیگر سو برخی تنوع را برای جنبش‌های بزرگ مفید می‌دانند. به عقیده این دسته، دو اصل کلی برای هدایت جنبش‌های اجتماعی وجود دارد: باید بزرگ باشند و متنوع و هنگامی که جنبش‌های حاشیه‌ای خود را به جریان اصلی برسانند و احزاب مختلف در یک انجمن مشترک از مخالفان جمع شوند، زمانی است که آنها موفق می‌شوند.



جاده، سریع‌السیر رو به شعله می‌رود/پیچ‌ها عصبانی هستند/هیپی‌های چپی با اتومبیل‌های تازهاش/ زخم‌هایبشان را توزیع می‌کنند/ تو بهتر است درها را از پس تاریکی قفل کنی/ آتش‌سوزی از یک جرقه شروع می‌شود/ بیایید در هایدپارک شورش کنیم/ من به‌دنبال شورش در هایدپارک هستم… این بخشی از ترانه «پیچ‌های لوس کلاس‌پاین» است که ترانه‌ای برای هایدپارک سروده‌اند. هایدپارک نامی است که عام‌وخاص شنیده‌اند با افسانه‌های عجیب‌وغریب آن. پارکی برای اعتراض. پارکی برای تخلیه هیجانات سیاسی و غیرسیاسی، بدون داشتن تبعات آتی. شاید ترکه‌های معترض استانبولی هم داشتن چنین پارکی را از ته دل آرزو می‌کردند. شاید روزی پارک گزی هم پارک اعتراض ترکه‌ها لقب بگیرد. اما در آن سوی دنیا، هایدپارک در دل بریتانیا میزبان میلیون‌ها لندننی و غیرلندننی است که هر روز از آن دیدن می‌کنند. سوای مردم عادی که گاهی استراحت و گاهی کنج‌کاوی آنها را به این نقطه می‌کشاند، هستند گروه‌هایی که برای بیان اعتراضات خود به هایدپارک می‌روند و خواسته‌های خود را بیان می‌کنند. هایدپارک همچنین شاهد کنسرت‌های خیریه یا اعتراضی هم می‌شود. گاهی یک صندلی و یک تریبون می‌شود اعتراض کوچک تک‌نفره، گاهی حضور هزاران نفر در این پارک تبدیل به یک اعتراض بزرگ می‌شود. بیان عقاید و ابراز آن به هر شکلی در این پارک آزاد است و تا زمانی که شکل ناهنجار به خود نگرفته است تبعاتی نخواهد داشت. حضور نیروهای پلیس هم در این پارک صرفاً برای برقرار کردن امنیت معترضان است. این پارک اما قوانینی نیز برای خود دارد که در اصلاحیه‌های اعمال شده از سال ۱۹۹۷ به این‌سو در کانالیزه کردن اعتراض‌ها موثر است. اعتراض‌ها از ساعت هفت تا ۱۰شب آزاد است و پس از آن



سودابه رخش

«تسام تاریخ بشریت… تاریخ مبارزات طبقاتی بوده است، مبارزای بین استثمارکننده و استثمارشده، جنگی میان طبقه‌ستمگر و طبقه ستم‌کش»

مانیفست کمونیست، ۱۸۴۸

این کلمات حال‌دار عصر تکنولوژی هم‌بوی تاریگی می‌دهد. بیش از یک‌ونیم قرن از طرح این مانیفست می‌گذرد اما نبرد همچنان همان نبرد است هرچند در برخی موارد فرم و محتوای آن متفاوت است. یکی از اشکال متحول شده این مبارزه، جنبش اشغال است. جنبشی که بسیاری تاریخچه آن را تا اشغال میدان «تیان آن من» چین عقب می‌رانند اما اشغال میدان «التحریر» مصر روح تازهای در کالبد این جنبش دمید و اشغال «وال‌استریت» هم آن را به قلب پتیده کاپیتالیسم رساند. شکی نیست که اعضای این جنبش در حال حاضر در آمریکا کمتر از زمانی هستند که اردوگاه‌ها برپیده شد، دو سال پس از کمپزنی جنبش اشغال وال‌استریت در پارک «ژاکونی» کیسه‌خواب‌ها و بلندگوها رفته‌اند اما ایده‌ها را نمی‌توان از دور خارج کرد. این جنبش همچنان زنده است و هرگاه محملی فراهم شود مبارزه با ساختار اقتصادی مسلط را از سر می‌گیرد.

اگرچه کمتر کسی می‌تواند به درستی آینده جنبش اشغال را پیش‌بینی کند اما جنبش‌های اینچنینی در جاده‌ای به درازای تاریخ قدم نهاده‌اند و روزی ثابت خواهند کرد که قدرت مردم بالاتر از مردان در قدرت است. بی‌تردید با وجود کاستی‌های جنبش اشغال، گشودن بحثی در مورد نابرابری‌های اجتماعی و دیکتاتوری مالی و شکستن فداست کاپیتالیسم آن هم در آمریکا که داعیه‌دار آن است، خود موفقیتی شگرف است. از این دست جنبش‌ها حقایق جدید می‌سازند و پاسخ‌های نو تولید می‌کنند. صحبت‌کردن درمورد نابرابری‌های اقتصادی و اختلاف طبقاتی در کشوری که با تکیه بر رویای آمریکایی می‌خواهد تمایزات طبقاتی را اندک جلوه دهد دشوار است. جنبش اشغال واقعیت‌برانی را پیش روی تمام جهان گذاشت. واقعیتی که آمریکایی‌ها هر روز با آن روبه‌رو بودند اما هیچ‌گاه تا به این حد نتوانسته بودند به جنگ آن برخیزند. بسیاری از فعالان لیبرال و نئولیبرال، سرمایه‌داری را پایان تاریخ می‌دانستند و حالا شاید بتوان جنبش اشغال را پایان «پایان تاریخ» نامید هرچند در ابتدای آغازند.